

مروری بر نظام مفهومی

بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور

و

رهیافت‌های آن در منطق سیاستی و ساختاری

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

بر اساس متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و سخنرانی رئیس‌جمهور در همایش «منطق بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور»

دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور؛ مهر ماه ۱۴۰۱ ه.ش

تیم کارشناسی:

صابر اکبری خضری؛ اسماعیل نوده فراهانی؛ ادريس راموز؛ احسان نجفی

مضامین محوری سخنرانی رئیس‌جمهور در همایش منطق بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور

موضوع	مضمون
ترسیم نمای کلی عرصه فرهنگ و جایگاه آن در ساختار حکمرانی	دغدغه‌مندی رهبری نسبت به مسائل عرصه فرهنگی
	مطالبه بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور بدلیل اشراف و شناخت دقیق رهبری بر حوزه فرهنگ
	مورد تهاجم و شیخون بودن عرصه فرهنگ
	مطالبه بازسازی ساختار فرهنگ بدلیل یک ضرورت اجتماعی
	هویت سازی و اقتدار آفرینی فرهنگ
	فرهنگ محور و فرهنگ پایه بودن انقلاب اسلامی و نظام
	شرط موفقیت در این مأموریت، مطالعه، عزم و اراده جدی
پیش نیازهای طرح بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور	استفاده از منظومه دیدگاه‌های فرهنگی رهبر انقلاب برای ترسیم وضع موجود و مطلوب
	اهمیت کمک روشنفکران، فرهیختگان و نخبگان در رصد و دیده بانی تحولات
	تحقق بازسازی نیازمند احساس مسئولیت و حرکتی متفاوت با قبل
	ضرورت متکی بودن هر حرکت انقلابی بر عقلانیت و خردورزی
	تحقق بازسازی نیازمند نگاه انقلابی تحول‌خواه با ابتدای بر اصول و مبانی انقلاب اسلامی امام و رهبری است.
	نگاه آسیب‌شناسانه، آینده‌نگرانه و معطوف به تحول نسبت به ساختارها، رفتارها، فرآیندها، سیاست‌های اجرایی و منابع انسانی
	عدم نیاز به شروع همه کارها از نو در عرصه پژوهشی و تحقیقی
ملزومات اجرایی طرح بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ	نیازمندی هدایت کارها از یک ستاد و مرکز برای اجرای موفق طرح تحول در ساختار فرهنگی
	ضرورت چابک سازی و مسأله محوری دستگاه‌های فرهنگی
	اهمیت برطرف کردن ناهماهنگی‌ها و تداخل‌ها و تعارض‌ها
نقش و وظایف دستگاه‌های فرهنگی	طراحی راهکار برای رفع ناهماهنگیها
	لزوم حذف دوباره کاری‌ها و اقدامات موازی
	تعیین نسبت های دقیق و روشن بین دستگاه‌های رسمی و غیررسمی در عرصه فرهنگ و تعلیم و تربیت
	روشن شدن تکالیف و مسئولیت‌های دستگاه‌های مختلف فرهنگی
	لزوم فعال شدن معاونت‌های پژوهشی در دستگاه‌های مختلف برای طراحی الگوهای کارآما فرهنگی و تربیتی
	ضرورت بازنگری قوانین موجود متناسب با تحول ساختارها

لزوم طراحی شاخص های سنجش میزان موفقیت برای دستگاه های فرهنگی	مولفه های راهبردی ایجابی لازم در بازسازی انقلابی نظام فرهنگی کشور
لزوم فعالتر شدن صدا و سیما	
لحاظ کردن اقتضائات نوین (عصر فضای مجازی) در بازسازی فرهنگی با مشارکت مردم به ویژه جوانان	
لزوم احساس سهیم بودن در تصمیم سازی، اجرا و نظارت توسط مردم در بازسازی ساختار فرهنگی	
تاکید بر شناسایی و بهره گیری از ظرفیت بانوان در عرصه های مختلف تاکید رهبری بر توجه به ظرفیت بانوان برای نقش آفرینی اجتماعی	
نیازمندی به رویکرد اقناعی در عرصه مسائل فرهنگی	
ضمانت اجرای تصمیمات با اقناع مردم	
لزوم برخورداری تصمیمات فرهنگی از پیوست های اقناعی، رسانه ای و فرهنگی	
ضرورت توسعه سواد رسانه ای و سواد مجازی برای همه اقشار جامعه	
رهنمودهای رهبری و مصوبات شورای انقلاب فرهنگی محتوای بسته طرح تحول انقلابی ضرورت ساماندهی الگوهای تعامل فرهنگی	
متمرکز شدن بر تعامل با فرهنگ های اهل دوستی و ایستادگی در برابر فرهنگ های مهاجم متخاصم مانند عرصه دیپلماسی	
استفاده از پیشرفت های تکنولوژیک در مسیر ارتقای سطح زندگی مردم با تکیه بر مبانی غنی فرهنگی	
ضرورت برگزاری جلسات گفتگو و تبادل نظر در زمینه اجرای برنامه تحول انقلابی ساختار فرهنگی کشور	
کمک گفتگو و تبادل نظر به رفع شبهات و ارائه پیشنهادات موثر	
ضرورت تلاش بیشتر مراکز علمی و پژوهشی برای ایجاد کرسی های آزاداندیشی	گفتگو مدار بودن؛ رکن محوری منطق طرح
اهمیت و ضرورت زمان بندی برای تحقق گام به گام اهداف این طرح (ارزیابی ماه به ماه یا در پایان هر فصل با شاخص های دقیق میزان تحقق آن)	
تشکیل ستاد مرکزی پیگیری طرح در سازمان تبلیغات اسلامی و دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی	
ارائه منظم گزارش اقدامات انجام شده به فرهیختگان و مردم	
اهمیت ارائه گزارشات منظم در به روز نگه داشتن طرح و ترسیم مسیر آینده	
پیگیری اجرا و میزان پیشرفت طرح توسط شخص رئیس جمهور	

مضامین محوری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

ردیف	مضمون
۱	هدف انقلاب اسلامی؛ خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی
۲	انقلاب اسلامی ایران؛ مردمی ترین انقلاب عصر جدید
۳	انقلاب اسلامی باعث شکستن کلیشه های کهنه دنیا
۴	انقلاب اسلامی یعنی: زنده بودن ارزش های آزادی، عدالت، استقلال، عزت، اخلاق، معنویت، امنیت، عقلا نیت و برادری
۵	رویگردانی و عدم پابندی برخی مسئولین نسبت به ارزش های انقلاب اسلامی
۶	انقلاب اسلامی آماده تصحیح خطاهای خویش
۷	حساسیت مثبت نشان دادن نسبت به نقدها
۸	نبود تضاد و ناسازگاری میان جوشش انقلابی جوانان و نظم سیاسی و اجتماعی جامعه
۹	وجود فاصله میان واقعیت ها و آرمان های انقلاب اسلامی
۱۰	طی شدن فاصله میان واقعیت های جامعه و آرمان های انقلاب توسط جوانان مؤمن، دانا و پرانگیزه
۱۱	جوانمردی و مروت، صداقت و صراحت، شجاعت و اقتدار، عامل سربلندی ایران در منطقه و جهان
۱۲	جوانان آغازگران جهاد بزرگ، برای ساختن ایران اسلامی بزرگ
۱۳	حرکت به سمت آینده باید با استمداد از تجربه گذشته و واقعیت حال باشد.
۱۴	انقلاب و نظام اسلامی ایران، تقلیدی از حکمرانی های مرسوم نیست و متکی بر ظرفیت خود (متن ایمان و معرفت اسلامی) است.
۱۵	انقلاب اسلامی، آغازگر نظم نوین مبتنی بر دو قطب جدید (اسلام و استکبار)
۱۶	اصل "ما می توانیم" عامل عزت و پیشرفت ایران اسلامی در همه عرصه ها
۱۷	مردم سالاری و جوان محوری، باید کانون مدیریت کشور باشد.
۱۸	از جمله برکات انقلاب اسلامی: ثبات امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران، اصالت بخشی به حوزه های علم و تکنولوژی و زیرساخت های اقتصادی و عمرانی، حضور و مشارکت مردمی در عرصه های مختلف، ارتقاء بینش سیاسی مردم، پیوند معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه، مقابله با مستکبران، ایجاد شعار عدالت.
۱۹	عدالت، گوهر بی همتا بر تارک انقلاب اسلامی ایران باید باشد.
۲۰	مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان در همه میدان های سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، بین المللی، دین، اخلاق، معنویت و عدالت باید شانه های خود را زیر بار مسئولیت ایجاد الگوی کامل نظام پیشرفته ایران اسلامی بدهند.
۲۱	ضرورت توجه به ظرفیت های داخلی، طبیعی، انسانی برای آینده ایران اسلامی که مورد غفلت دست اندرکاران قرار گرفته است.
۲۲	جوانان متخصص و متعهد، ظرفیت امیدبخش آینده ایران اسلامی هستند.

۲۳	منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت جغرافیایی، بازار بزرگ همسایگان و... از منابع دستنخورده در بخش تولید و اقتصاد هستند.
۲۴	نخستین محور در گام دوم، خوشبینی به آینده و مأیوس نشدن است.
۲۵	تکیه به واقعیت‌های عینی و دوری جستن از امید کاذب و فریبنده در گام دوم
۲۶	ترس و نومی‌دی را از خود برانید، این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد جوانان است.
۲۷	دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است.
۲۸	از قله‌های دانش جهان بسیار عقیم، باید به قله‌ها دست یابیم.
۲۹	ضرورت سنگ‌بنای یک انقلاب علمی در کشور.
۳۰	معنویت و اخلاق نیاز اصلی جامعه و جهت‌دهنده به تمام حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی در گام دوم است.
۳۱	ضرورت افزایش شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه
۳۲	اقتصاد هدف جامعه اسلامی نیست اما ابزاری است که بدون آن نمی‌توان به هدف رسید.
۳۳	اقتصاد قوی زمینه ساز استقلال و نفوذناپذیری کشور است.
۳۴	تولید با کیفیت، توزیع عدالت محور و مصرف به اندازه و بی اسراف شرط اقتصاد موفق است.
۳۵	چالش بیرون نظام، تحریم و وسوسه انگیزی است و چالش درون عیب ساختاری و ضعف مدیریتی است.
۳۶	اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های معنایی آن ^۱ توسط جوانان متخصص (دانا) و متعهد (مؤمن) راه حل رسیدن به مقصد اقتصاد قوی است.
۳۷	عدالت و مبارزه با فساد لازم و ملزوم یکدیگر هستند.
۳۸	طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات جمهوری اسلامی ایران است.
۳۹	عدالت فریضه‌ای است که تحقق نسبی آن بر عهده همه مردم، حاکمان و قدرتمندان است.
۴۰	آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، فاصله ژرفی است.
۴۱	دل‌های مسئولان برای محرومین و شکاف‌های طبقاتی باید بیمناک باشد.
۴۲	کسب ثروت نه تنها جرم نیست، بلکه مورد تشویق است.
۴۳	تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان به ویژه خواری ممنوع است.
۴۴	علیرغم وجود سیاست‌ها و قوانین ولیکن در اجرای شایسته عدالت و مبارزه با فساد، چشم امید به شما جوانان است.
۴۵	آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری، عمل کردن و اندیشیدن برای همه مردم است.
۴۶	استقلال و آزادی تفضل حکومت‌ها به مردم نیستند بلکه عطیه الهی به انسان‌هاست که حکومت‌ها باید آن را تأمین کنند.

^۱ - درون زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش بنیان شدن، مردمی کردن اقتصاد، تصدی‌نکردن دولت، عدم وابستگی به نفت، نگاه به ظرفیت داخلی، بودجه بندی علمی و قوی، ثبات در سیاست‌های اجرایی اقتصاد، حذف هزینه‌های زائد و مسرفانه

استقلال نباید به معنای زندانی کردن اقتصاد و سیاست کشور در میان مرزهای خود باشد.	۴۷
آزادی نباید در تقابل با اخلاق، قانون، ارزش‌های الهی و حقوق عمومی باشد.	۴۸
عزت، حکمت و مصلحت سه شرط اساسی در سیاست خارجه و روابط بین الملل است.	۴۹
مقابله با سبک زندگی غربی، جهاد هوشمندانه و وظیفه امیدبخش جوانان است.	۵۰

رهیافتهایی برای بازسازی منطق و ساختار سیاست‌گذاری فرهنگی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

گام نهایی در ترسیم آن بخش از «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور» که در حیطه فعالیت «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» قرار دارد، توجه به «مؤلفه‌های الگوی سیاست فرهنگی» در آن دستگاه (شامل: عملکرد شکلی، عملکرد محتوایی، نظام اداری، اهداف نظام اداری و در نهایت منطق اقتصادی) است. به عبارت دیگر، برای پاسخ به این پرسش که «رویکرد حاکم بر سیاست فرهنگی در ایران چیست» نمی‌توان به صرف بیان اهداف و رویکردهای کلان اکتفا کرد، بلکه باید این مهم از طریق پرسش از «سازوکار تحقق سیاست فرهنگی در سازمان» و یا به عبارتی «نسبت اهداف کلان و روبه‌های اجرایی» مورد بررسی واقع شود. از این جهت، اجزای مورد نظر در این بررسی عبارتند از: ۱. اهداف و رویکردهای کلان ۲. شیوه فعالیت ۳. ساختار تشکیلاتی ۴. شیوه هزینه‌کردها ۵. مؤسسات و انجمن‌های وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶. غایت فعالیت‌ها.

تلاش صورت گرفته برای نشان دادن چهره واقعی سیاست فرهنگی کنونی جمهوری اسلامی ایران حاکی از این امر است که:

الف) در زمینه «**اهداف و رویکردهای کلان**» اگرچه این اهداف با رویکردی انقلابی تهیه و تدوین شده اما در سالهای بعد به واسطه عوامل مختلفی دچار تعلیق شده و مهجور مانده است. بنابراین، عدم تحقق سیاست فرهنگی کشور توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بعد «اهداف و رویکردهای کلان» را حداقل می‌توان به چهار عامل تغییرات وظایف قانونی علی‌رغم ثبات اهداف قانونی، انحراف در شیوه ارزیابی عملکردها، انحراف در شیوه نگرش به فعالیت‌های فرهنگی و در نهایت، محدود شدن قلمرو و موضوع فعالیت‌های فرهنگی به صنایع فرهنگی نسبت داد.

ب) در زمینه «**شیوه فعالیت**»، چارچوب فعالیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را «عدم تولید محصول و بسنده نمودن به حمایت از تولیدکنندگان بیرونی» و «اعطای مجوز» تشکیل می‌دهد. البته این رویکرد انفعالی - سلبی در مواردی با تولید آنچه «محصول فرهنگی فاخر» نامیده شده همراه می‌شود، اما در این موارد محدود نیز «فاخر بودن» بیشتر به «پرهزینه بودن» یا «نمایش عظمت ایران کهن» مربوط می‌شود و کمتر بر «ایران امروز» و «زندگی روزمره» ناظر است و بنابراین، هیچ درسی برای امروز جامعه ندارد و افقی به سوی آینده نمی‌گشاید و عملاً نگرانی و دغدغه مردم و مسئولان نسبت به «فرهنگ جاری» جامعه - که با توسعه‌گرایی و حرکت رو به آینده قابل توصیف است - را مسکوت می‌گذارد.

ج) در زمینه «**ساختار تشکیلاتی**»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نه از جهت نیروی انسانی و نه از جهت مناسبات اداری، مشخصات لازم برای ورود به عرصه‌های ایجابی و فعال را ندارد، بلکه به عنوان مثال، طی تحولات صورت گرفته در سالیان گذشته، بخش قابل توجهی از نحوه ارتباط دستگاه با ارباب رجوع (هنرمند) را نهادهای عمومی غیردولتی یا صنفی تخصیص دهنده حمایت‌ها برعهده گرفته‌اند که از یکسو امکان هرگونه «پاسخگویی» به دستگاه‌های نظارتی را دشوار کرده‌اند و ازسوی دیگر امکان برخورد سلیقه‌ای و ایجاد شکاف میان «صنف» و «حاکمیت» را دامن زده‌اند. ضمن اینکه نحوه ارتباط و پاسخگویی دستگاه به مخاطبان

یعنی توده‌های مردم علاقمند نیز مخدوش است و به نظر می‌رسد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در ارتباط با هنرمندان و هم در پاسخگویی به مطالبات مردم چالش‌های جدی دارد.

د) در زمینه «شیوه هزینه کردها»، نیز اختصاص بودجه در قالب سیاست‌های حمایتی و غیرقابل ردیابی منطبق هزینه کرد در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را تشکیل می‌دهد. روی دیگر این مسئله، وضعیت «مؤسسات و انجمن‌های وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» است که از دهه ۱۳۶۰ تا به امروز بیش از ۳۸ مؤسسه در حاشیه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - با هدف کاستن از میزان تصدی‌گری‌ها - ایجاد و به‌عنوان بازوان اجرایی این وزارت‌خانه در امور تصدی‌گرایانه وارد شده‌اند که مجموعاً، در هماهنگی کامل با شکل‌گیری سیاست فرهنگی جاری در کشور (شامل: وظایف سلبی - انفعالی، ساختار تشکیلاتی ناکارآمد، واگذاری فعالیت‌ها و اعطای کمک) قرار دارند.

ه) با توجه به سازوکار معیوب حاکم بر این دستگاه، «غایت فعالیت‌های» آن نیز به چیزی فراتر از ارائه شاخص‌های کمی و فعالیت نمایشگاهی - جشنواره‌های ختم نمی‌شود. به‌عبارت دیگر، آن روی سیاست «عدم تولید» و بسنده نمودن به «ارائه مجوز»، برگزاری «نمایشگاه» و «جشنواره» به‌مثابه آیین‌های نمادینی است تا رویکرد منفعل و سلبی را باشکوه هرچه بیشتر نمایش داده و فرصت لازم برای در صحنه بودن و ارائه گزارش را برای مسئولان فراهم کند.

با عنایت به مطالب پیش‌گفته به‌نظر می‌رسد برای اداره مؤثر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید نوعی سیاست فرهنگی فعال، ایجابی و برون‌گرا در دستور کار قرار گیرد. این امر نیز جز از طریق اعمال تغییرات اساسی میسر نخواهد شد. برخی از ارکان اتخاذ یک سیاست فرهنگی جدید به‌شرح ذیل است:

۱. اتخاذ نوعی سیاست فرهنگی عملگرایانه،
۲. بازسازی ساختاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
۳. فراهم کردن زمینه نظارت‌پذیری حمایت‌های غیرمستقیم،
۴. تمرکز آثار فاخر مورد حمایت بر مسائل ایران امروز و زندگی روزمره،
۵. حمایت دولت از هنرمندان هم‌جهت با سیاست‌های کلی نظام،
۶. ایجاد زمینه برای حضور محصولات فرهنگی و هنری ایرانی در بازارهای جهانی،
۷. عنایت ویژه به ترویج و توسعه هنرهای محلی - قومی در سطح ملی و بین‌المللی،
۸. توجه به بسط و توسعه هنرهای درون‌زا و دارای پیشینه تاریخی،
۹. بازنگری در مسائل مرتبط با آموزش هنر در جامعه

در ادامه به توضیح اجمالی هر یک از موارد فوق پرداخته خواهد شد.



نمودار ۱؛ مدل پیشنهادی برای اصلاح سیاست فرهنگی در ایران

۱- اتخاذ نوعی سیاست فرهنگی عمل گرایانه

حوزه هنر نیازمند نوعی سیاستگذاری عملگراست. مروری گذرا بر دیدگاه‌های موجود پیرامون حوزه هنر در کشور نشان می‌دهد که:

- عدم رسیدن به نوعی اجماع فکری- فرهنگی و بروز تأخیر بلندمدت در اتخاذ نوعی سیاست گذاری شفاف، آسیب‌های بسیاری در این زمینه به دنبال داشته است (ناکامی در وجه سیاست گذاری فرهنگی).
- سیل محصولات هنری- اعم از فارسی و غیر آن- به واسطه بسترهای موجود اعم از شبکه‌های ماهواره‌های از جمله فارسی‌زبان، شبکه‌های اجتماعی مجازی، شبکه جهانی اینترنت، توسعه نسل‌های سوم و چهارم تلفن‌های همراه و... از قابلیت کنترل بالایی برخوردار نخواهند بود (منتفی شدن امکان بسنده نمودن به ابعاد سلبی).
- وضعیت تولید و توزیع محصولات هنری مؤید و مروج باورهای انقلابی و اسلامی به هیچ وجه رضایت‌بخش نیست (عدم تأمین و تضمین کمیت و کیفیت در وجه ایجابی).
- کیفیت تولیدی، ذائقه مصرفی و وضعیت اقتصادی هنر در کشور روند رو به رشدی را نشان نمی‌دهد (نبود چشم‌انداز روشن).

با توجه به گزاره‌های فوق که ترسیمی از فضای کنونی هنر در کشور است، به نظر می‌رسد معیار سنجش ایده‌ها و اقدامات سیاست‌گذارانه در این حوزه را باید «توانایی آنها در تخفیف مسائل، تولید محصولات قابل دفاع و ایجاد چشم‌انداز مثبت» قرار داد. یکی از مسیرهای ارائه پاسخی عمل‌گرایانه به مسئله فوق، پر کردن خانه‌های جدول ۱ توسط تک‌تک نهادها و دستگاه‌های مسئول است تا روشن شود در کدام مورد یا موارد اهتمام داشته‌اند.

سطح مداخله و حمایت‌گری					
حداکثری	متوسط	حداقلی	منفی		
سرمایه‌گذاری	عدم حمایت	عدم برخورد	تذکر قضایی	تولید	عرصه سیاستی
ارائه مجوز و تخفیف در اجاره	ارائه مجوز و اجاره	ارائه مجوز	برخورد قضایی	توزیع	
ارائه تخفیف در خدمات تبلیغی	ارائه خدمات تبلیغی	عدم ارائه خدمات	آگاه‌سازی	مصرف	

جدول ۱؛ طبقه‌بندی انواع سطح مداخله و حمایت در مراحل تولید، توزیع و مصرف

به عبارت دیگر، باید نهادها و دستگاه‌های مسئول در زمینه هنر کشور، ضمن تعریف مؤلفه‌هایی بتوانند تولیدات هنری را در چهار سطح «حمایت منفی، حمایت حداقلی، حمایت متوسط و حمایت حداکثری» طبقه‌بندی و در قالب مسیرهای روشن به ارائه خدمات به آنها مبادرت کند.

سایر اقدامات عملگرایانه در این زمینه عبارتند از:

۱. ایجاد نظام رتبه‌بندی سنی با هدف سپردن بخشی از فرآیند نظارت به خانواده‌ها؛

به عبارت دیگر، علاوه بر دولت خود خانواده‌ها از طریق اطلاع رسانی درست حداقلی می‌توانند و می‌باید نسبت به مسئولیت‌های خود در قبال فرزندان‌شان متعهد باشند.

۲. ایجاد نظام رتبه‌بندی مجوز نمایش در سینما، شبکه خانگی، صداوسیما، حمل‌ونقل جاده‌ای؛

نبود نظام رتبه‌بندی مجوز نمایش در شرایطی است که بسیاری از فیلم‌های فاقد صلاحیت اکران در سینماها به راحتی مجوز توزیع در شبکه خانگی با حجم بسیار بالای مخاطبان را به دست می‌آورند و بسیاری از آثار مذکور تنها با توجه به سلیقه رانندگان ناوگان حمل‌ونقل بین شهری به مسافران تحمیل می‌شوند.

۳. پرهیز از جنجال‌سازی در قبال آثار فرهنگی - هنری سیاه‌نما و تلخ اجتماعی مگر در مواقع اضطراری؛

این امر در کنار نبود سازوکار درست رسیدگی به انتقادات مردمی سبب فروش بیشتر آثار زرد و مسئله‌دار می‌شود و از این جهت، برخی تهیه‌کنندگان منفعت طلب از بروز چنین جنجال‌هایی استقبال می‌کنند.

۲- بازسازی ساختاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

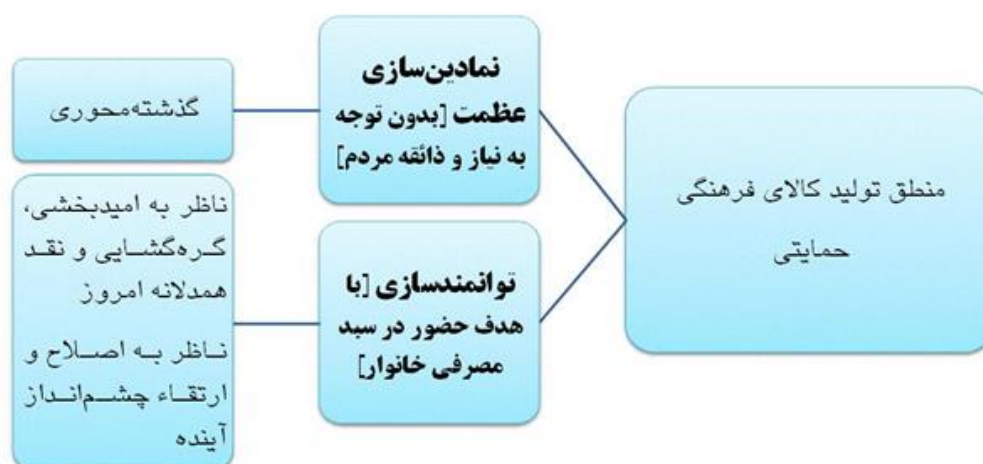
بازسازی کمی و ارتقای کیفی نیروی انسانی و سازمان اداری فرهنگ و هنر که بتواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن و حتی‌الامکان از طریق تعاملات غیرحضوری سیستماتیک و الکترونیکی، خدمات لازم را تأمین سازد، گریزناپذیر است. ضمن اینکه نهاد متولی فرهنگ و هنر باید از طریق برگزاری نشست‌های تخصصی و صنفی، ضمن اقدام به اخذ نظرات همه ذینفعان و کارشناسان و شنیدن استدلال‌های ایشان تلاش نماید تا پاسخی اجماعی، اقناعی و مورد وفاق را برای پرسش زیر فراهم آورد: «در چه مقطعی از زنجیره تولید ارزش، باید مداخله حمایتی انجام شود؟». اهمیت این پرسش از آنجا ناشی می‌شود که اگر زنجیره فعالیت هنری با کار یک هنرمند خلاق در یک سو آغاز می‌شود و در سوی دیگر با مصرف‌کننده پایان می‌یابد و با مجموعه‌ای از فرآیندهای تولید ارزش افزوده در طول این مسیر همراه است، سیاست‌گذار باید مشخص کند که سودمندترین نقطه برای تزریق بودجه کجاست.

۳- فراهم کردن زمینه نظارت‌پذیری حمایت‌های غیرمستقیم

برای تأمین این مهم تدوین آیین‌نامه جامع و کامل جهت نظام مند کردن فرآیند پرداخت کمک بلاعوض به اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی ضرورت دارد. این آیین‌نامه باید مشتمل بر موارد زیر باشد: معیارهای تعیین صلاحیت دریافت‌کنندگان کمک، شاخص‌های تعیین میزان کمک پرداختی، چارچوب نظارت بر هزینه‌کرد کمک و در نهایت، سنجش میزان توفیق نهاد گیرنده کمک.

۴- تمرکز آثار فاخر مورد حمایت بر مسائل ایران امروز و زندگی روزمره

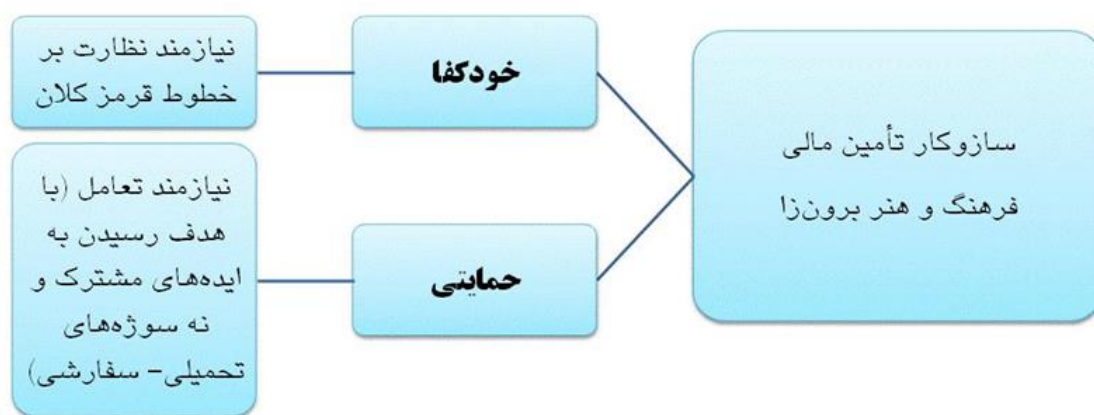
همانطور که پیش‌تر گفته شد حمایت از محصولات فرهنگی با عنوان «هنر فاخر» یکی از معدود راه‌های موجود حمایت از هنر متعهد در ایران است که آن نیز به واسطه تعریف ناصواب صفت «فاخر بودن» بیشتر به «پرهزینه بودن» یا «نمایش عظمت ایران کهن» مربوط می‌شود و کمتر بر «ایران امروز» و «زندگی روزمره» که مقصد نهایی سیاست فرهنگی است، نظر دارد و از این باب، نیازمند تغییر منظر می‌باشد.



نمودار ۲. منطق تولید کالای فرهنگی حمایتی فاخر

۵- حمایت دولت از هنرمندان هم جهت با سیاست‌های کلی نظام

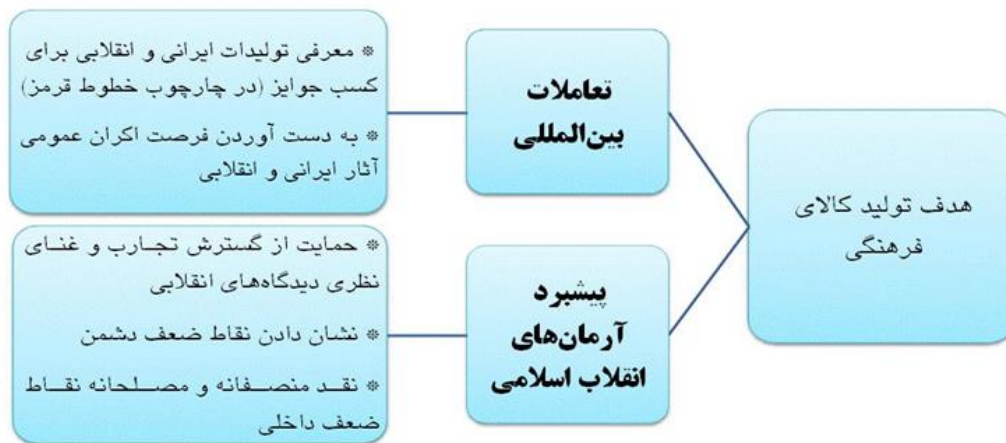
متأسفانه طی سالیان گذشته ۱. تلاش برای تحمیل سوژه‌های دولت‌مردان به هنرمندان تحت عنوان حمایت هدفمند ۲. نارضایتی هنرمندان اعم از متعهد و غیرمتعهد از دستگاه‌های ذیربط ۳. تبدیل سیاست‌های حمایتی به بستر تولید آثار بی کیفیت و باندبازی مهم‌ترین توجیه مدیران بی تعهد برای کنار گذاشتن سیاست حمایت مستقیم بوده است. با این حال، نمی‌توان نسبت به تکلیف دولت در حمایت از هنرمندان هم جهت با سیاست‌های کلی نظام و ضرورت خودکفایی دیگر هنرمندان سکوت کرد. از این جهت، راهبرد «تعامل با هدف رسیدن به ایده‌های مشترک و نه سوژه‌های تحمیلی - سفارشی» می‌بایست چشم‌انداز سیاست فرهنگی کشور را تشکیل دهد.



نمودار ۳. سیاست حمایتی در پرتو تقسیم هنر به خودکفا و حمایتی

۶- ایجاد زمینه برای حضور محصولات فرهنگی و هنری ایرانی در بازارهای جهانی

متأسفانه طی سالیان گذشته هدف «پیشبرد آرمان‌های انقلاب اسلامی» به کلی در محاق بوده است. ضمن آنکه در مورد «تعاملات بین‌المللی» نیز هدف «تأمین امکان نمایش عمومی آثار ایرانی و نه حتی انقلابی» در خارج از مرزهای کشور موفقیتی نداشته است. این در حالی است که سیاست فرهنگی انقلابی بدون دستیابی به فرصت اکران به سرانجام روشنی نخواهند رسید. دستیابی به امکانات تکنولوژیک هنری مانند استودیوهای با کیفیت جهانی که هزینه تولید را کاهش داده و امکان تولید محصولات فرهنگی با ویژگی‌های بین‌المللی را فراهم می‌کند به‌علاوه تکنولوژی‌های ارتباطی جهانی از جمله ماهواره‌های ارتباطی و شبکه‌های اینترنتی ایرانی که امکان توزیع محصولات فرهنگی و هنری را فراهم آورد، از ضروریات حضور در بازار جهانی فرهنگ است؛ امری که پیوند بخش فرهنگ و علوم فنی و مهندسی را می‌طلبد و از زمان تأسیس سیاست فرهنگی مدرن در ایران هیچ‌گاه به نحو شایسته‌ای مورد توجه قرار نگرفته است.



نمودار ۴. هدف تولید کالای فرهنگی

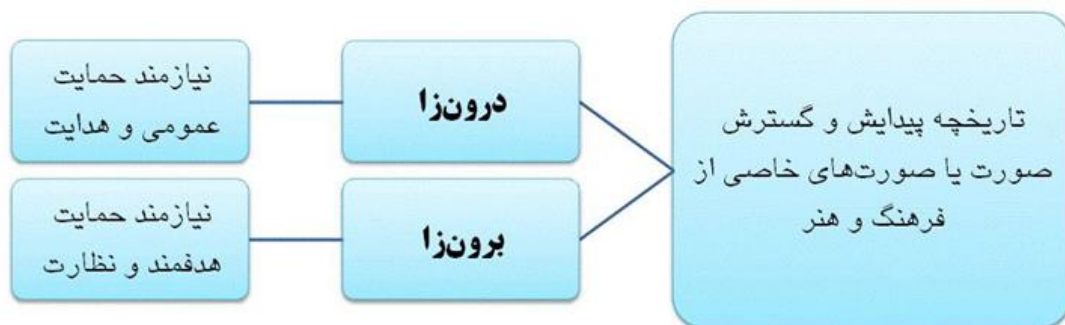
۷- عنایت ویژه به ترویج و توسعه هنرهای محلی - قومی در سطح ملی و بین‌المللی

ایران به دلیل وجود اقوام متعدد، زبان‌های گوناگون، اقلیم‌های متفاوت و شیوه‌های زیستی مختلف دارای یکی از غنی‌ترین پهنه‌های فرهنگی در جهان است. علی‌رغم این موضوع، حمایت از هنرهای محلی-قومی (اعم از موسیقی محلی و مقامی و...) در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با یک مشکل اساسی روبرو است و آن هم عبارت است از رویکرد ناصحیح در این زمینه که به تخصیص حمایت‌های محدود مالی و مواجهه گلخانه‌ای به‌منظور جلوگیری از اضمحلال چنین هنرهایی خلاصه می‌شود. این در شرایطی است که حمایت مذکور باید با هدف ایجاد رونق در اقتصاد هنرهای محلی-قومی، تنوع بخشی به تولیدات فرهنگی و هنری ملی، ایجاد همگرایی قومی-زبانی در مناطق مختلف کشور و حضور در بازار جهانی فرهنگ پیگیری شود.

۸- توجه به بسط و توسعه هنرهای درونزا و دارای پیشینه تاریخی

متأسفانه هنرهایی مانند خطاطی، معماری، منبت کاری و... که در فرهنگ و تاریخ این سرزمین ریشه دارند جایگاه شایسته‌ای در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ندارند و عموماً تلاش می‌شود با تبدیل این هنرها به «کالاهای زینتی - تجملی» این هنرها صرفاً به «سوغات گرانبیام» برای «گردشگران اروپایی» تقلیل یابد. این درحالی است که تلاش برای حفظ شأن «کاربردی» و در «ارتباط مستقیم با زندگی روزمره» چنین هنرهایی یک تکلیف است. در مقابل، تلاش برای سوق دادن فرهنگ به سمت «هنرهای بصری» آن هم با شعار «هنر برای هنر» به هدف نهاد متولی فرهنگ بدل شده است. این در شرایطی است که هنرهای غیربصری که سبب تقویت قدرت «انتزاع» و «تخیل» در مخاطب می‌شوند، نقش مهمی در گسترش «خلاقیت» و شکوفایی استعدادهاى یک جامعه دارند.

وجه سیاستگذارانه چنین ملاحظاتی را می‌توان با یک مثال ساده نشان داد؛ غالباً مهم‌ترین عامل افول «مصرف موسیقی سنتی» در جامعه ایران، تغییر ذائقه مردم معرفی می‌شود و خوانندگان سنتی از صداوسیما به دلیل خط‌شکنی در پخش موسیقی پاپ گلایه‌مند هستند، درحالی که مهم‌ترین عامل افول مصرف موسیقی سنتی، کاهش مصرف شعر کلاسیک و دوری جامعه از آثار شعرای بزرگ خود (حافظ، سعدی، مولوی...) است که این امر در ارتباط مستقیم با «بصری شدن فرهنگ معاصر»، «کاهش اهمیت و جایگاه آموزش ادبیات در آموزش و پرورش» و «نزول شدید سواد ادبی نسل‌های جدید» است. بنابراین سه راه پیش روی نهادهای متولی فرهنگ برای حفظ و شکوفایی موسیقی سنتی وجود دارد: ۱. حمایت از هنرمندان سنتی [به‌عنوان راه حل متداول] ۲. حمایت از شعر کلاسیک با مضامین جدید [به‌عنوان راهکار نسل جدید خوانندگان سنتی] ۳. گسترش آموزش و مصرف شعر کلاسیک [راه حل مغفول].



نمودار. تقسیم هنر به درونزا و برونزا

۹- بازنگری در مسائل مرتبط با آموزش هنر در جامعه

یکی از موانع پیش روی کشور که سبب شده است تا فرهنگ و هنر پس از پیروزی انقلاب اسلامی از پیشرفتی قابل قبول، محروم شود، مباحث مرتبط با «آموزش هنر» است. در شرایطی که غلبه نگاه اقتصادی و تکنوکراتیک به جامعه، بستری را فراهم آورده است که عملاً به طرد و انزوای امور مرتبط با «تعلیم و تربیت» از جمله قرآن، ورزش، هنر، دفاعی و... در آموزش رسمی کشور منجر شده است؛ اختلافات دیدگاهی میان رویکردهای هنر از جهت تعهد به «انقلاب اسلامی» و یا «لیبرالیسم» این حاشیه‌نشینی و مهجوریت را تا حدودی متمایز کرده است. به عبارت دیگر، مدارس دولتی و خصوصی بیشترین اهتمام خود را صرف کسب امتیازات مورد نیاز جهت تولید «پزشک» و «مهندس» می‌کنند و در بهترین حالت، تأکید و تمرکز مضاعف بر آموزش «زبان‌های بیگانه» و «کاربرد رایانه» وجه ممیزه مدارس مختلف است. این فرآیند که با پافشاری جریان لیبرال برای پیشبرد استراتژی «هنر برای هنر» و «بدبینی» جریان انقلابی آغاز شده است، ذائقه و شعور فرهنگی و هنری جامعه و حتی برخی فعالان حوزه هنر را به قهقرا برده است؛ که از این جهت، اصلاح فرآیند مذکور برای ارتقای ذائقه هنری جامعه در راستای «آگاهی نسل‌های آینده از نقش و جایگاه هنر در صعود و نزول تمدن‌ها از جمله تمدن اسلامی»، «آشنایی با مبانی و سیر تحول هنر سنتی و مدرن»، «بهره‌مندی از هنر در زندگی شخصی و خصوصی افراد» و همچنین «تقویت مصرف کالای فرهنگی در راستای اصلاح سازوکار اقتصادی عرصه فرهنگ و هنر» ضرورت دارد.

...پایان...